

متن کامل مصاحبه سانسور شده پوتین
برای پیروزی جمهوریخواهان در امریکا

چون خطر "ایران" شوخی است خطر "روسیه" را پیش کشیدند

ترجمه عسگرداودی

جمعه ۲۹ آگوست، کانال تلویزیونی «آ.آر.دی» که شبکه دولتی آلمان محسوب می شود، بخش های اندک و دست و پا شکسته ای از مصاحبه مشروح خبرنگار این کانال تلویزیونی در روسیه با پوتین نخست وزیر روسیه را پخش کرد. این مصاحبه در ارتباط با حوادث اخیر گرجستان و در اوج بمباران تبلیغاتی علیه روسیه انجام شد. سانسور این مصاحبه، با اعتراض محافل سیاسی غیر دولتی در آلمان روبرو شد. متعاقب این اعتراضات، نشریه چپ گرای "یونگه ولت" آلمان که در برلین منتشر می شود، متن کامل این مصاحبه را با رنگی کردن بخش های سانسور شده چاپ و منتشر کرد.

این متن را از نشریه یونگه ولت به فارسی برگردانده و منتشر می کنیم. قضاوت در باره دلیل سانسور و سخنان پوتین با خوانندگان. (راه توده)

مصاحبه گر: آقای نخست وزیر تصویر روسیه با بروز حوادث اخیر در اذهان عمومی جهان مخدوش جلوه می کند، در صحنه سیاست نیز چنین تصویری از کشور شما ترسیم می شود، شما چرا کشور خودتان را با اعمال چنین سیاست زورگویانه ای به این ورطه کشانده اید؟

پوتین: منظور شما از این سوال چیست؟ چه کسی این جنگ را شروع کرده است؟

مصاحبه گر: بله، حمله گرجستان به شهر شینوالی تحریک کننده بود.

پوتین: من از پاسخ شما متشکرم، همانطور بود که شما می گوئید، این واقعیت امر است، ما در ادامه صحبت هایمان بیشتر در این باره صحبت خواهیم کرد. من فقط مایل هستم توجه همگان را به این موضوع جلب کنم که ما این وضعیت را بوجود نیاورده ایم. من به شان و منزلت ملی اعتقاد دارم و دولتی که قادر و توانا باشد تا از ملت خود دفاع کند، دولتی که به عدم وابستگی به خارج باور داشته باشد و کوشش کند تا در مدت زمانی تا حد ممکن کوتاه به استقلال کامل دست یابد. اما در نقطه مقابل دولت هایی هستند که در سایه کشور های دیگری زندگی می کنند و به استقلال و توانائی ملی خود باورمند نیستند.

مصاحبه گر: شما چرا ریسکی می کنید که نتیجه آن منزوی شدن کشورتان در صحنه سیاسی دنیا باشد؟

پوتین: من فکر می کنم که به سوال شما پاسخ دادم اما اگر شما توضیح بیشتری خواهید می توانم موضوع را بیشتر بشکافم. کشور ما قادر است تا از عزت و افتخار ملی خود دفاع کرده و سیاست خارجی توأم با صلح را در چهار چوب های پذیرفته شده بین المللی اجرا کند. کشوری با چنین سیاست هیچ موقع در سطح جهان منزوی نخواهد شد. البته همکاران ما در اروپا و آمریکا ما را تهدید به تحریم می کنند، اما این تهدیدات را ما مهم تلقی نمی کنیم، دنیا فقط اروپا و آمریکا نیست. من مایل هستم دوباره بگویم: آن دولت هایی که شان و منزلت ملت خود را جدی تلقی نمی کنند و سیاست خارجی کشور های دیگری را در کشور خود به اجرا می گذارند، در حرف استقلال دارند، در عمل اعتبار سیاسی کشور های خود را بتدریج تا نازل ترین سطح تنزل می دهند. از نظر من اگر دولت های اروپائی مایلند تا علایق سیاسی آمریکا را برآورده بکنند، بدانند که این عمل هیچ سودی نصیب شان نخواهد کرد. حالا در رابطه با وظایف قانونی و بین المللی خودمان صحبت بکنیم. بنا به قرارداد های بین المللی، مراکز حفظ صلح فدراسیون روسیه موظف هستند مدافع مردم "آستیای" جنوبی باشند، جریان بوسنی را در سال ۱۹۹۵ بخاطر بیابوریم، میدانیم که هیئت اروپائی حفظ صلح در آنجا نیرو های حافظ صلح هلندی - خود را از درگیری ها کنار کشیده و عملاً باعث نابودی تمام منطقه

شده و عامل کشته و زخمی شدن صد ها تن شدند. میدانیم که اکنون تراژدی "سربرنیکا" در اروپا معروف است. شما مایل هستید که ما هم همانگونه عمل می کردیم؟ شما مایل هستید که ما تماشاگر نابودی ملت در شینوالی می بودیم؟

مصاحبه گر: منتقدین می گویند هدف اصلی شما فقط حمایت از مردم شینوالی به گفته شما نبوده است بلکه شما مایل هستید تا رئیس جمهور گرجستان را از قدرت به زیر بکشید تا از ورود گرجستان به ناتو در کوتاه مدت یا دراز مدت جلوگیری کنید.

پوتین: چنین نیست. این یک بازی سیاسی است، لوژت کردن اصل قضیه است، یک دروغ است. اگر چنین هدفی داشتیم شاید ما جنگ را شروع می کردیم، اما همان طور که شما خودتان گفتید، گرجستان حمله را آغاز کرد. موضوعی به خاطر آمد. پس از به رسمیت شناسی غیر رسمی "کوزوو" همه منتظر بودند تا ما نیز استقلال "اوستیای جنوبی" و "آبخاز" را به رسمیت بشناسیم. ما عملا حق قانونی را در این مرحله داشتیم. اما خود را کنار نگه داشتیم. ضروری نیست که در این رابطه مدرک بیاورم اما می گویم که ما با بردباری موضوع را قورت دادیم اما نتیجه چه بود؟ آفرینش یک شرایط بحرانی در محل، حمله به افراد حافظ صلح ما در منطقه، حمله و کشتن مردم صلح دوست اوستیای جنوبی. وزیر خارجه فرانسه از اوستیای شمالی و از مرکز استقرار فراریان از اوستیای جنوبی دیدار کرد. شاهدان عینی گفتند که نظامیان گرجستانی چگونه حتی زنان و کودکان را با تانک هایشان زیر گرفته اند، آن ها به خانه های مردم هجوم برده و خانه ها را با ساکنان شان سوزانده اند. نظامیان گرجستانی پس از ورود به شینوالی در حین عبور نارنجک های خود را درون زیر زمین و پناهگاه هایی که زنان و کودکان در آنها پنهان شده بوده اند پرتاب کرده اند. این اعمال را جز ملت کشی چه می توان نامید؟ اما در رابطه بارژیم گرجستان، آن ها افرادی هستند که مملکت خود را به فاجعه کشانده اند. رهبری گرجستان حاکمیت این کشور را با اعمال خود به زیر سؤال برده است. چنین افرادی چه کوچک چه بزرگ لیاقت حکومت کردن را ندارند. آن ها بدون استثنا می بایستی استعفا بدهند.

مصاحبه گر: البته در این رابطه شما تصمیم نمی گیرید، بلکه مردم گرجستان تصمیم می گیرند.

پوتین: بدیهی است، اما موارد برعکس ادعای شما نیز وجود دارد. ما شاهد موارد مسبوق به سابقه هستیم. آمریکائی ها عراق را اشغال کردند، چون به دستور صدام حسین چند روستای شیعه نشین ویران شده بود. حالا قضاوت کنید که فقط در ساعات اولیه هجوم نظامیان گرجستان به اوستیای جنوبی ۱۰ روستا بطور کامل با خاک یکسان شده است.

مصاحبه گر: شما به خودتان حق می دهید حاکمیت یک کشور را - در این جا گرجستان مورد نظر است - تحت فشار قرارداد و آنجا را بمباران بکنید؟ من اگر خوش شانس نبودم توسط بمبی که از هواپیما پرتاب شده بود و در چند متری من در منطقه منفجر شد کشته شده بودم. [مصاحبه گر کانال تلویزیونی «آ. آر. د» در اوائل ماه آگوست در منطقه درگیری بوده است.]

پوتین: تحرک ما کاملا در چارچوب حقوق ملل انجام گرفته است. ما حمله به گروه حافظ صلح و حمله به ملت خود را حمله به روسیه ارزیابی می کنیم. در ساعات اولیه هجوم ده ها تن از سربازان حافظ صلح روسی که با نظارت سازمان ملل در منطقه گماشته شده بودند، توسط نظامیان گرجی کشته شدند. نظامیان گرجی پاسگاه جنوبی ما را با تانک هایشان محاصر کرده و مستقیما مورد هدف قرار دادند. ده تن از سربازان حافظ صلح روسی زمانی که می خواستند وسایلی را از درون آشپخانه هواپیما خارج کنند، توسط آتش باری توپخانه گرجی ها در دم کشته شده اند. پس از آن نیروی هوایی گرجستان مناطق متعددی را در اوستیای جنوبی بمباران کرد. ما مجبور بودیم تا مراکز هدایت عملیات گرجی ها را که خارج از منطقه درگیری بود، بی اثر کنیم. تاکید می کنم که این مراکز دقیقا همان محل هائی بودند که سربازان حافظ صلح روسی از آنجا زیر آتشباری گرفته شده بودند.

مصاحبه گر: بله من گفتم که مردم عادی نیز بمباران شده اند. شما اطلاعات کامل اتفاقات را ندارید.

پوتین:

اولاً: ممکن است که من به تمامی اخبار و روی داده‌ها دسترسی نداشته باشم. بدیهی است که همیشه ممکن است که در مشاهده و خبرگیری از درگیری‌ها اشتباهات بروز کند. مثلاً در همین چند ساعت قبل هواپیماهای آمریکائی در افغانستان حمله‌ای علیه نیروهای طالبان انجام داده‌اند که در این حمله ۱۰۰ تن از افراد غیر نظامی نیز کشته شده‌اند.

دوماً: این امکان هم وجود دارد که مرکز فرماندهی آتشباری گرجستان مخصوصاً در محلی مابین مردم غیر نظامی مستقر شده باشد با این تصور که به دلیل استقرار چنین مرکزی در بین مردم غیر نظامی از شانس عدم حمله ما برخوردار شود. در درگیری اخیر با این حيله گرجی‌ها از مردم غیر نظامی به عنوان گروگان سوء استفاده کردند.

مصاحبه گر: این یک حدس است. آقای «کوجنر» وزیر خارجه فرانسه در چند روز گذشته با نگرانی فراوانی در این رابطه کوشش‌های زیادی انجام داد. ایشان حتی نگران بود که درگیری نظامی بعدی از شهرهای «سواستوپولی» یا «کرییم» در اوکراین شروع شود، آقای نخست وزیر هدف بعدی شما شهر «کرییم» در اوکراین است؟ منطقه استقرار نیروی دریائی روسیه در دریای سیاه.

پوتین: شما می‌گویید «هدف بعدی»، ما حتی در درگیری فعلی ایجاد شده فعلی توسط گرجستان نیز هدفی از قبل نداشته‌ایم. این نوع صحبت کردن صحیح نیست. سؤال شما تحریک آمیز است. شهر «کرییم» منطقه حساسی نیست. در آنجا تاکنون برخلاف درگیری موجود ما بین گرجستان و اوستیای جنوبی هیچ درگیری قومی روی نداده است و روسیه سال‌هاست مرزهای موجود بین خود و اوکراین را به رسمیت می‌شناسد. مذاکرات ما در این رابطه با توافق به پایان رسیده است، فقط باید دائماً مسئولیت‌های متقابل مرز رعایت شود. البته در خود «کرییم» وضعیت پیچیده‌ای وجود دارد. تاتارها، اوکراینی‌ها، روس‌ها، اسلاواک‌ها در یک جا متمرکز هستند، البته این مشکل به خود اوکراین ربط دارد. در رابطه با حضور نیروی دریائی روسیه در منطقه «کرییم» قراردادی تا سال ۲۰۱۷ ما بین روسیه و اوکراین منعقد است.

مصاحبه گر: شما اکنون وضعیت عمومی را چگونه می‌بینید؟ آیا مسابقه تسلیحاتی جدیدی شروع شده است؟ جنگ سرد چطور؟ و یا فقط زمان مناسبات سیاسی «یخ زده» فرا رسیده است؟

پوتین: روسیه مایل به بروز هیچ نوع اغتشاشات سیاسی فی مابین نیست، با وجود اینکه ممکن است چنین موردی پیش بیاید. در گذشته پیمان ورشو و شوروی وجود داشت و همچنین نیروهای نظامی شوروی مستقر در جمهوری دموکراتیک آلمان. اگر واقع بینانه بیان کنیم، بخشی از نیروهای اشغالگر بعد از پایان جنگ جهانی دوم همچنان تحت نام همکاری متقابل در آنجا (آلمان غربی) مستقر بودند، پس از فروپاشی شوروی پیمان ورشو منحل شد، اما پیمان ناتو همچنان در اروپا فعال باقی ماند. سؤال این است که به چه دلیل همچنان نیروهای نظامی آمریکا در اروپا مستقر هستند؟ انضباط و دیسیپلین زمانی ضروری است که خطری موجود باشد. خطری اگر از خارج اعمال شود، لازم می‌شود که همکاری نظامی و تمرکز نظامی در منطقه‌ای مستقر شود. به بهانه استقرار هر چه بیشتر نیروهای نظامی در اروپا، سیاست در غرب ایجاب می‌کند تا یک خطر کاذب در اذهان عمومی آفریده شود، کوشش می‌شود تا یک دشمن بر علیه خود تراشیده شود، ادعای امکان وجود خطر از طرف **ایران** نیز یک ادعای منطقی و باورکردنی نیست، در نتیجه این دشمن عملاً روسیه قلمداد می‌شود. اما واقعیت این است که افکار عمومی اروپا هیچ نگرانی از روسیه ندارد.

مصاحبه گر: قرار است در اجلاس آتی اتحادیه اروپا در بروکسل، در رابطه با این درگیری و احتمال تحریم روسیه مباحثاتی انجام شود. آیا شما در این رابطه هیچ نگرانی احساس نمی کنید و می گوئید مهم نیست؟ یا اینکه می گوئید اصلا کشورهای اروپا در بین خود دارای اختلاف نظر هستند و چنین موردی پیش نمی آید؟

پوتین: اگر بگویم که ما با بی اعتنائی از کنار چنین قضیه ای می گذریم، دروغ است. طبیعی است که ما مسائل را با دقت زیر نظر داریم. ما بر این عقیده هستیم که نتیجه نشست چنین اجلاسی امیدوار کننده می تواند باشد.

مصاحبه گر: واقعا فکر نمی کنید که زمان تصمیم گیری مشخص در این رابطه فرا رسیده است؟ شما از یک طرف می گوئید که مایل نیستیم از همکاری مشترک با اروپا چشم پوشی کنیم و از طرف دیگر مایل هستید با قوانین ویژه سیاسی روسی خود بازی کنید. اما می دانید که ادامه چنین سیاستی عملا غیر ممکن است.

پوتین: ما قوانین بازی سیاسی خاصی را اعمال نمی کنیم. ما می خواهیم که بدون استثنا همه حقوق ملل دیگر را رعایت کنند. ما مایل هستیم که رعایت حقوق دیگر ملل فقط به منطقه معینی خلاصه نشود.

مصاحبه گر: یعنی شما می خواهید بگوئید که اتحادیه اروپا قواعد رعایت حقوق ملل را در مناطق مختلف دنیا متفاوت و نا برابر با نقاط دیگر دنیا اعمال می کند؟

پوتین: دقیقا همین طور است. چه کسی کوزوو را به رسمیت شناخت؟ در این مورد مشخص چرا قطعنامه شماره ۱۲۴۴ را که خودشان امضاء کرده اند به فراموشی می سپارند؟ به کوزوو چنین امکانی داده می شود، چرا به آبخاز و استیای جنوبی اجازه اعلام استقلال داده نمی شود؟

مصاحبه گر: پس بنا به گفته شما فقط روسیه حقوق دیگر ملل را رعایت می کند و دیگران اجرای قوانین بین المللی را منطقه ای کرده و هر گونه که مایلند اجرا می کنند. من حرف شما را درست فهمیدم؟

پوتین: شما ظاهرا حرف های من را متوجه نشده اید. من پرسیدم که شما استقلال کوزوو را به رسمیت شناخته اید؟ بله یا خیر؟

مصاحبه گر: من شخصا نه. من یک روزنامه نگار هستم.

پوتین: من می گویم که وقتی کشور های غربی همگی استقلال کوزوو را به رسمیت شناختند، باید استقلال آبخاز و اوستیای جنوبی را هم به رسمیت بشناسند. اصلا تفاوتی وجود ندارد. در آنجا تشنجات قومی وجود دارد. در این جا هم همین طور. در آنجا اعمال خلاف قانون از هر دو طرف اعمال می شود. در اینجا هم احتمالا چنین اتفاقاتی بروز می کند. در آنجا پذیرفته شده که دولت نمی توانند در زیر لوای یک کشور زندگی کنند. در اینجا هم دو ملت همان مشکل را دارند. جالب است که همه این واقعیت را مشاهده و درک می کنند. البته مشخص است که کوشش می شود تا مغایرت های حقوقی پوشیده نگاهداشته شوند. به این اعمال حق زورمندی اطلاق می شود و روسیه چنین رفتاری را نمی پذیرد. شما سال هاست که ساکن روسیه می باشید. زبان روسی را تقریبا بدون لهجه صحبت می کنید. باعث تعجب نیست که شما مرا درک کنید. این باعث خوشحالی است. من هم خوشحال می شوم تا همکاران اروپایی خود را که قرار است در اول ماه سپتامبر جهت بررسی این موضوع گرد هم می آیند درک کنم. آیا در این رابطه قطعنامه ۱۲۴۴ اجراء خواهد شد؟ در این قطعنامه بر حاکمیت صرب ها بر کوزوو با جمله "حاکمیت ارضی صرب ها" تاکید شده بود، اما آقایان با به رسمیت شناختن استقلال کوزوو عملا قطعنامه ۱۲۴۴ سازمان ملل که بر حاکمیت ارضی صرب ها بر کوزوو تاکید کرده بود را کوشیدند برعکس تفسیر کنند. اما چون موفق نشدند در نتیجه قطعنامه را به زیاله دانی پرتاب کرده و نظر خود را اعمال کردند. چرا؟ امکان ندارد که همه مسائل به این سادگی به فراموشی سپرده شود. اکنون سؤال این است که در رابطه با استقلال

اوستیای جنوبی و آبخاز چگونه رفتار خواهند کرد، آیا استقلال آن ها را هم به رسمیت خواهند شناخت؟ کاخ سفید برنامه ریزی می کند و دیگران بلا فاصله اجراء می کنند. اگر چنین برنامه ای را نمایندگان اروپائی ارائه می دادند مدت ها طول می کشید تا واشنگتن را قانع کنند.

مصاحبه گر: فکر می کنید وظایف دولت آلمان در رابطه با این بحران چیست؟
پوتین: ما با آلمان رابطه خوبی داریم. اعتماد متقابل هم در رابطه با سیاست و هم در رابطه با اقتصاد وجود دارد. زمانی که ما در اینجا با آقای سرکوزی صحبت می کردیم یاد آوری کردیم که ما به هیچ وجه چشم داشتی به سرزمین های تحت حاکمیت گرجستان نداریم و ما تا مرزهای امنیتی قبلی که از نظر بین المللی به رسمیت شناخته شده اند عقب نشینی خواهیم کرد. در آنجا هم ما تا ابد باقی نخواهیم ماند، بلکه هدف ما ایجاد امنیت در منطقه و جلوگیری از بروز یک درگیری مجدد است. ما اعلام می کنیم: از هم اکنون از استقرار ناظرین «اتحادیه اروپا»، «سازمان حافظ امنیت اتحادیه اروپا» (اوس.زد.ای) و آلمان استقبال می کنیم.

مصاحبه گر: این به معنی آن است که شما کلیه نیرو های نظامی خود را عقب خواهید کشید؟
پوتین: طبیعی است. برای ما در وهله اول این مهم است که امنیت کامل دو باره در منطقه برقرار شود. سپس مایل هستیم تا به اوستیای جنوبی کمک کنیم تا امنیت را در مرز های خود برقرار کند. بعد از این دیگر دلیلی برای حضور ما وجود نخواهد داشت و با استقبال از حضور نمایندگان «اتحادیه اروپا» و «سازمان حافظ امنیت اتحادیه اروپا» کمک خواهیم کرد تا آنها جایگزین شوند.

مصاحبه گر: با توجه به وضعیت فعلی چگونه می توان جهت برقراری آرامش مجدد از همکاری آمریکا و اروپا برخوردار بود؟

پوتین: اولاً من در مصاحبه دیروز خود با کانال تلویزیونی سی. ان. ان آمریکا گفتم که این بحران تحت تاثیر و تحریکات دوستان آمریکائی ما، با توجه به مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری در آمریکا بوجود آمده است و زمانی فروکش خواهد کرد که یکی از نامزد های انتخاباتی در آمریکا به حداکثر آرای ریاست جمهوری دست یابد. در این مورد مشخص طبیعی است که کاندیدای انتخاباتی دولت فعلی در آمریکا مورد نظر است.

مصاحبه گر: واقعا شما به این موضوع باور دارید؟

پوتین: بله کاملاً جدی. می دانیم که تعداد قابل توجهی از مشاورین آمریکائی در گرجستان حضور دارند. این عملی نکوهیده است که از یک سمت دارندگان اختلاف قومی را مرتباً مسلح کنند و سپس تاکید کنند که راه حل مشکل شما درگیری نظامی است. این عملی بسیار خطرناک است و نتیجه منفی خود را همانگونه که شاهد هستید، نشان داد. ساختار رفتاری، آموزش دهی افراد، اشکال کاربرد سلاح ها از کجا رهبری شده اند؟ از اردوگاه های نظامی و مراکز آموزش نظامی. آموزش دهندگان در روزهای درگیری در کجا بودند؟ در جبهه جنگ! تمام شواهد نشان می دهد که رهبری آمریکا از آمادگی جنگی گرجی ها مطلع بوده است و حتی افراد خود را نیز در این درگیری ها شرکت داده است. بدون دستور از بالا دارندگان تبعیت آمریکا مجاز نیستند در جوار منطقه درگیری حضور داشته باشند. در خطوط مرزی مربوط به هیئت حفظ صلح فقط باید افراد غیر نظامی، ناظران «سازمان حفظ امنیت اتحادیه اروپا» و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل معروف به «کلاه آبی ها» حضور داشته باشند. اما ما در این مناطق آثاری از حضور دارندگان تابعیت آمریکا پیدا کرده ایم که متعلق به هیچکدام از گروه های نام برده بالا نیستند. سوال این است: چرا رهبری آمریکا به افراد خود اجازه داده است که در چنین محلی حضور داشته باشند؟ با وجود اینکه آن ها قانوناً حق حضور در این محل ها را نداشته اند. خوب اگر بمن اجازه بدهید می گویم که با این وضع طبیعی است که من حدس بزنم که با هدف و برنامه حساب شده ای یک جنگ کوچک همراه

با پیروزی، قبلا سازماندهی شده بود و حتی اگر نتیجه با موفقیت توام نمی‌نشد که نشد آنگاه روسیه به عنوان یک دشمن جلوه داده شود. بدین ترتیب رای دهندگان آمریکائی از ترس روس ها به کاندیدا معینی رای موافق بدهند.

این تفسیر من است. شما می‌توانید آن را قبول داشته باشید و یا قبول نداشته باشید. اما فراموش نکنید که ما در خطوط درگیری آثار حضور آمریکائی ها را بدست آورده ایم. مصاحبه گر: سوال پایانی من، که برایم بسیار جالب است: فکر نمی‌کنید که شما با دست خود خودتان را گرفتار یک اتوریته کرده اید؟

پوتین: شما سیستم سیاسی ما را یک اتوریته محسوب می‌کنید. بفرمائید که در بحث امروز ما، شما آثار کدام اتوریته مشهود است؟ در دنیا ارزش های پایه ای وجود دارد. مثلا حق زندگی کردن و زنده ماندن. در روسیه و اروپا اعدام انسان ها ممنوع است، اما در آمریکا هنوز قانون اعدام اعمال می‌شود. حالا به موضوع درگیری اخیر بپردازیم. اطلاع دارید که سال گذشته در گرجستان چه اتفاقاتی روی داده است؟ مرگ پر معمای «شوانیا» نخست وزیر گرجستان، رفتار خشونت بار فیزیکی علیه راهپیمائی مسالمت آمیز اپوزیسیون، یورش و متلاشی کردن اپوزیسیون، دخالت آشکار در انتخابات به بهانه اعلام وضعیت اضطراری و اکنون این حمله جنایتکارانه در اوستیای جنوبی و آبخاز که این همه کشته نتیجه آن است. ببینید، این کشورمتجاوز را در غرب یک کشور دموکرات معرفی می‌کنند که قرار است به دلیل دموکرات بودنش عضو ناتو و عضو اتحادیه اروپا نیز بشود. اما وقتی کشور دیگری از علایق و از حقوق ملت خود دفاع می‌کند، در یک حمله غافلگیرانه ۸۰ تن نظامی و ۲۰۰۰ تن از مردم بی دفاع غیر نظامی را کشته است. ما مجاز نیستیم تا از ملت خود دفاع کنیم؟ اگر ما از خودمان دفاع نکنیم فکر می‌کنند که ما انسان نیستیم، بلکه "کالباس" هستیم. ما امکان انتخاب داریم، انسان باشیم یا یک کالباس. ما انسان بودن را انتخاب می‌کنیم. حالا راجع به موارد دیگری صحبت بکنیم: مثلا آزادی بیان. مشاهده می‌کنید که در مطبوعات آمریکا به این جنگ چگونه پرداخته می‌شود! این خود یک نمونه درخشان دموکراسی است و در اروپا نیز همین طور است. زمانی که گرجی ها به اوستیای جنوبی و آبخاز حمله کردند و بشدت شهر شینوالی را زیر آتش توپخانه گرفتند و نیرو نظامی به محل گسیل کردند و تعداد زیادی کشته شده بودند، من در پکن بودم، اما هیچکدام از رسانه های غربی در این رابطه خبری مخابره نمی‌کرد، همکاران شما نیز سکوت اختیار کرده بودند، همه رسانه های آمریکائی سکوت کرده بودند، انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده است. اما زمانی که دندان های ماشین نظامی گرجستان خرد شد و از کار افتاد آن ها سلاح های آمریکا را به زمین انداختند و فرار را بر قرار ترجیح دادند، آنوقت ماشین های تبلیغاتی غرب همه به تقلا افتادند. «حقوق بین المللی» و «روسیه بد طینت» سر تپتر خبر ها شدند. چرا این همه خودسری؟ ما مایل به ارتباط طبیعی با همه همکارانمان هستیم. ما تاکنون حتی به یکی از همکاران بین المللی خود دروغ نگفته ایم. در اوائل سال های ۱۹۶۰ زمانی که ما خطوط انتقال گاز را با آلمان غربی تاسیس می کردیم همکاران ماورا بحار آلمان به آلمان ها توصیه کردند که این برنامه را حذف کنند. در آن سال ها رهبری سیاسی آلمان تصمیم صحیحی گرفت و خطوط انتقال گاز را مابین شوروی سابق و آلمان غربی تاسیس کرد. امروز این خط لوله انتقال گاز به آلمان امن ترین مرکز برای اقتصاد آلمان بشمار می رود. سالیانه ۴۰ میلیون متر مکعب گاز از این طریق به آلمان منتقل می‌شود و من تضمین می‌کنم که همچنان این انتقال انرژی ادامه خواهد داشت. فعالیت های ما در عرصه جهانی کاملا قابل مشاهده است. ۸۰ درصد صادرات ما به اروپا و آمریکا مواد خام از قبیل نفت خام، نفت شیمیائی، چوب و آهن است. این مواد صادراتی در بازار جهانی دارای متقاضیان زیادی است. ما حتی امکان عرضه تکنولوژی مدرن را در سطحی محدود داریم. البته بدلیل وجود قراردادهای موجود ما از فروش مواد سوختی اتمی در بازار اروپا خود داری می‌کنیم. بخاطر وضعیت کشور دوست فرانسه. اما

شما می دانید که ما طولانی مدت بحث کردیم و ما نمی توانیم در مخالفت با آن عملی انجام بدهیم. امیدواریم که فرانسه به همان اندازه وظایف متقابل را انجام دهد که ما انجام می دهیم. در رابطه با صادرات شما که می شود واردات ما، باید بگویم که روسیه کاملاً مشتری قابل اعتماد و دارای بازار تقاضای بزرگی است. من الان آمار واردات تولید تکنولوژی ماشین آلات را از آلمان بخاطر نمی آورم، اما می دانم که به میزان این واردات همه ساله مرتباً افزوده می شود. البته اگر کشور هائی مایل نباشند که به کشور ما جنس بفروشند ما از کشور های دیگری خرید خواهیم کرد. ما به تحلیل واقعه اصرار داریم و امیدواریم که عقل سالم بشری و عدالت پیروز بشوند. ما قربانی این تجاوز هستیم و امیدواریم که همکاران اروپائی ما در این رابطه از ما حمایت کنند.

راه توده ۱۹۳ ۰۸,۰۹,۲۰۰۸